



# مقاله‌های تحقیقی را چگونه بنویسیم؟

دکتر اکرم جوادی - عضو هیأت علمی

## پژوهش، مقدم بر نگارش

از آنجا که در مقالات و آثار دانشگاهی، درجه علمی و تحقیقی اثر، بیشترین اهمیت را دارد، نویسنده چنین آثاری، در وهله اول، باید محقق توانایی باشد تا یافته‌های علمی خویش را در پیکر پیراسته و جامه آراسته به مخاطبان خویش عرضه دارد. هر اثر علمی - تحقیقی بر سه رکن اساسی استوار است:

۱- مواد سالم و اطمینان بخش که از منابع معتبر علمی به دست آید و مقدمات استدلالهای علمی را تشکیل دهد.

۲- شیوه صحیح استدلال و روش درست تحقیق که مواد بدست آمده مطابق آن سامان داده شود و به نتیجه منطقی برسد.

۳- توان علمی و اجتهادی محقق که روشهای درست تحقیق را بشناسد و با ذهن منطقی خویش، از مقدمات موجود، به نتایج درست سیر کند.

با عنایت به نکات فوق، روشن می‌گردد که تحقیق علمی، در واقع، تلاش فکری محقق برای یافتن مطالب جدید و

## چکیده:

محققان و نویسندگان جوان، معمولاً در پی آنند که روش درست نگارش مقاله‌های تحقیقی را بدانند و در آثار خود به کار برند. مقاله حاضر به حداقل موازینی که باید در نگارش اینگونه مقاله‌ها رعایت شود، می‌پردازد؛ ابتدا آنچه را که در امر تحقیق باید مدنظر باشد می‌آورد، نحوه تنظیم طرح تحقیق، انتخاب روش، یافتن منابع و ارزیابی آنها، و تنظیم مطالب را به اجمال می‌گوید و سرانجام ضوابط صوری مقاله مانند عنوان، چکیده، کلیدواژه‌ها، ارجاعات، پاورقیها و فهرست منابع را توضیح می‌دهد. برخی مهارتهای نویسندگی نیز در ضمن مباحث مورد اشاره قرار می‌گیرد.

## کلید واژه‌ها:

پژوهش، نگارش، مقاله تحقیقی، طرح، روش، منابع، عنوان، چکیده، ارجاع، پاورقی

استوار، استفاده از آنها در رد و اثبات قضیه‌ای خاص و رسیدن به نتایج جدیدتری است که خود می‌تواند مقدمه استدلال دیگری قرار گیرد.

## مراحل پژوهش

**الف - فرضیه و طرح تحقیق:** همچنانکه علمای منطقی توجه کرده‌اند، تفکر آدمی از برخورد با امر مجهول آغاز می‌شود. تا زمانی که سؤال و مجهولی برای انسان مطرح نباشد، تلاش فکری برای معلوم ساختن آن، و به عبارت بهتر، کوششی برای بدست آوردن علم، صورت نمی‌گیرد. از همینجا حکمت حدیث نبوی که فرمود "حسن السؤال نصف العلم" آشکار می‌گردد.

سؤال نیکو و سنجیده بر زمینه‌ای از معلومات پیشین ظاهر می‌شود. اینگونه سؤالها و مجهولات، مبنای فرضیه‌های علمی را تشکیل می‌دهند. محقق، ذهن وقاد و کنجکاوی دارد که از کنار پدیده‌ها و مسائل هستی بسادگی نمی‌گذرد؛ آنچه که در ذهن افراد عادی کوچکترین خلجانی ایجاد نمی‌کند، در ذهن فعال محقق و دانشمند، می‌تواند طوفانی به پا سازد،

در دسته‌بندی و تنظیم محورها، ممکن است برخی سؤالات ارتباط بیشتری با یکدیگر داشته باشند و زیر مجموعه هم به شمار آیند، برخی در هم ادغام شوند و برخی نیز حذف گردند.

گاهی این کار بارها تکرار می‌شود و سرانجام طرح نهایی به دست می‌آید. در این طرح، محورهای اصلی و فرعی بحث

مشخص شده و شمای کلی مقاله و کتاب به دست آمده است. این محورها پس از طی مراحل تحقیق و به هنگام نگارش، تیترها و عناوین مقاله را تشکیل می‌دهند که در کار نگارش کتاب به صورت عناوین بخشها و فصول درمی‌آیند. به عبارت دیگر، عناوین اصلی و فرعی یا فصول اصلی و فرعی همانها هستند که در طرح

تحقیق به صورت سؤالات اصلی و فرعی مطرح می‌شوند و در پایان کار، از حالت سؤال بیرون آمده، عناوین و فصول را تشکیل می‌دهند. بدیهی است که سؤالات بسیار فرعی و جزئی در عنوان بندی ملحوظ نمی‌شود.

شایان ذکر است که طرح تحقیق و تألیف، به هیچ وجه منجمد و لا یتغیر نیست؛ طرح اولیه در ضمن کار و حتی پیش از آن، ممکن است دچار تغییر و تحولاتی شود. محقق و نویسنده به تناسب مسائل جدیدی که برایش پیش می‌آید، یا به مناسبت فکر و اندیشه نوی که به ذهنش خطور می‌کند، می‌تواند در

از دیدگاه دیگر، طرح تحقیق به منزله نقشه کار معماری است که بدون آن نمی‌توان ساختمانی را بطور اصولی بنا کرد و باید توجه داشت که تا وقتی در ذهن است و بر روی کاغذ ترسیم نشده، معایب و کاستیهای آن آشکار نمی‌گردد. از این رو، لازم است که طرح تحقیق، حتی با خطوط اولیه‌اش، روی کاغذ بیاید و مورد مذاقه

**یکی از نشانه‌های علمی و تحقیقی بودن مقاله آن است که نویسنده بتواند چکیده خوب و مفیدی برای آن بنگارد، به گونه‌ای که طرح مسأله و فرضیه، روش کار، اعتبار منابع و نتیجه بدست آمده بطور فشرده در آن ذکر شود.**

قرار گیرد تا بتدریج صورت نهایی و متکامل آن به دست آید.

در مقاله تحقیقی و هر نوع مقاله دیگری - و نیز در کتاب یا کار تحقیقی دیگر - طرح اولیه یا سیاهه آزمایشی ممکن است بسیار مغشوش و نامرتب باشد. در این مرحله نویسنده و محقق هرآنچه را که درباره موضوع انتخابی به ذهنش می‌رسد و احتمال می‌دهد با هدف وی ارتباطی داشته باشد، یادداشت می‌کند؛ سپس درباره این یادداشتها به تفکر می‌نشیند و آنها را به هم ربط می‌دهد تا بتدریج محورهای تحقیق را در قالب سؤالاتی مشخص کند.

سؤالها برانگیزد و فرضیه‌ها تشکیل دهد. پس از طرح مجهول و تشکیل فرضیه، برای بررسی و اثبات آن، باید طرح تحقیق ریخته شود. طرح تحقیق، در واقع، قانون کار محقق است و هدف، محدوده کار، رؤوس مباحث، ابزارها و روش تحقیق، و حوزه منابع را روشن می‌سازد و مانع از پسرانگنده کاری و اتلاف وقت و نیرو

می‌گردد. حتی در نوشته‌ها و مقالات تألیفی - نه صرفاً تحقیقی - هم، طرح مقاله امری لازم و اجتناب‌ناپذیر است.

نوشته‌ای که بدون طرح انجام پذیرد، معمولاً بدون نظم و انسجام و دارای مطالب زاید و خارج از موضوع است محورهای اصلی بحث در اینگونه نوشته‌ها محو و مفقود است و

نویسنده بروشنی نمی‌داند چه هدفی را دنبال می‌کند و در پی رد و اثبات چه مطلبی است. دقیقاً به همین دلیل است که اگر از نویسنده مقاله بدون طرح خواسته شود چکیده‌ای در حد یک یا چند بند (پاراگراف) برای مقاله خود بنویسد، معمولاً نمی‌تواند بخوبی از عهده کار برآید. از این رو، یکی از نشانه‌های علمی و تحقیقی بودن مقاله آن است که نویسنده بتواند چکیده خوب و مفیدی برای آن بنگارد، به گونه‌ای که طرح مسأله و فرضیه، روش کار، اعتبار منابع و نتیجه بدست آمده بطور فشرده در آن ذکر شود و البته از زواید کلام نیز بپرهیزد.

طرح تحقیق تجدید نظر کرده در آن تغییراتی دهد؛ اما در هر صورت، وجود طرح اجتناب‌ناپذیر است.

**ب- روش تحقیق:** انتخاب روش تحقیق، از مسائلی است که در ضمن طرح تحقیق مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد؛ اما به لحاظ اهمیتی که دارد، آن را در بخش جداگانه‌ای می‌آوریم.

تحقیق در هریک از رشته‌های دانش بشری، روش خاص خود را می‌طلبد. روش ریاضیات، استنتاج و برهان است و روش علوم تجربی مشاهده، آزمایش و استقراء. روش علمی مثل مکانیک و ستاره‌شناسی، آمیزه‌ای از روش ریاضی و تجربی است و رشته‌های مختلف علوم انسانی، هریک ویژگی‌هایی دارد: روانشناس با مطالعه نفسانیات خویشتن شروع می‌کند و با ابزارهای دقیق آزمایشگاهی و تستهای مختلف کتبی و شفاهی از نفسانیات دیگران مطلع می‌شود و تحقیقات خود را استوار می‌سازد. کار جامعه‌شناس بیشتر مبتنی بر آمار است و محقق تاریخ با اسناد و مدارک تاریخی سروکار دارد که نقد این مدارک و تعیین میزان صحت آنها در تحقیق او مهمترین نکته است.

نویسنده مقاله تحقیقی به تناسب رشته‌ای که دارد، روش خاصی را در امر تحقیق انتخاب می‌کند؛ اما در عین حال از برخی قواعد و روشهای عمومی نیز استفاده می‌کند که تقریباً در تمام مقاله‌های تحقیقی مشترک است. نوشتار حاضر به بررسی روشهای اخیر می‌پردازد. ابتدا با توجه به گروه خوانندگان و

مخاطبان این مقاله، باید گفت که از دیدگاهی، روش تحقیق به دو نوع میدانی و کتابخانه‌ای تقسیم می‌شود. در تحقیق میدانی که بیشتر به مسائل علم تجربی، اجتماعی و جامعه‌شناسی مربوط است، محقق با کاوش در نمونه‌های عینی و با تفحص و استقراء در گستره‌ای خاص به نتایج کلی می‌رسد. در این روش، کار محقق تحقیق روی افراد، اشیا و پدیده‌های خارجی در بیرون از محیط کتابخانه است؛ مصاحبه، مشاهده، گزارش و تحقیقات محلی در این روش، جایگاه خاصی دارد. اما در تحقیق کتابخانه‌ای، حوزه کار محقق، کتابخانه و اسناد و مدارک کتابخانه‌ای مثل کتاب، مجله، عکس و غیره است. محقق در این روش، معمولاً با محیط خارج و نمونه‌های عینی سروکار ندارد؛ بلکه مواد و منابع کارش، قبلاً توسط محققان دیگر ثبت و ضبط شده است و اینک او باید آنها را جستجو و پیدا کند. این روش، گاهی به نام روش تاریخی نیز شناخته می‌شود؛ زیرا خاصه محقق تاریخ با اینگونه روش کار می‌کند. شایان ذکر است که در برخی تحقیقات، ممکن است از هر دو روش استفاده شود؛ مثلاً نتیجه‌ای که با تحقیق میدانی به دست آمده، با مطالعات کتابخانه‌ای، استفاده از نظریات دانشمندان در آن زمینه، و بررسی سیر تاریخی و مقایسه‌ای نظریات مزبور تکمیل گردد؛ و یا تحقیقاتی که به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته و منتج به نتایجی شده، با انتخاب محدوده خاصی از افراد مربوط به موضوع، و انجام تحقیقات میدانی در آن

زمینه، استوارتر و مستندتر شود.

خوانندگان و مخاطبان مقاله حاضر به لحاظ حوزه تحقیقات و مطالعات، بیشتر با روش کتابخانه‌ای سروکار دارند؛ از این‌رو روش مزبور بیشتر توضیح داده می‌شود.

اصلی‌ترین ابزار تحقیق در روش کتابخانه‌ای، کتاب و امثال آن است، لذا اولین گام مهم در این روش، انتقاد کتاب و اسناد مکتوب مورد استفاده است. در واقع، محقق باید کتاب شناس باشد؛ یعنی بتواند کتاب را ارزیابی و میزان اعتبار آن را تعیین کند. هر قدر وی در این امر توانا تر باشد، تحقیقش از ارزش بالاتری برخوردار خواهد بود.

وقتی که محقق از مطالب کتاب خاصی استفاده می‌کند، اولاً باید از صحت انتساب کتاب و مطالبش به نویسنده مطمئن باشد. ثانیاً اطمینان حاصل کند که مطالب مورد استفاده، دقیقاً، به همان گونه است که نویسنده مزبور نوشته و ارائه کرده است؛ یعنی دخل و تصرفی در آن صورت نگرفته است. اگر چنین اطمینانی حاصل نشود، در واقع تمام تحقیقات و نتایجی که بر مبنای اقوال موجود در آن کتاب به دست می‌آید، از درجه اعتبار ساقط است. متون کهن که نویسندگان آنها قرن‌ها پیش در گذشته‌اند، به عناوین مختلف در معرض تغییر و تحریف بوده‌اند؛ تصحیف و تحریف کاتبان کم سواد، حب و بغض‌های ناشی از عقاید دینی، کلامی، فلسفی و...، جناح بندیهای سیاسی - اجتماعی، و منافع شخصی - قومی و

غیره از عواملی است که می‌توانسته‌اند موجب دخل و تصرف در متون کهن شوند. این امر و ضرورت دستیابی به اصل متون، باب دیگری را در عرصه تحقیقات می‌گشاید که به نقد متون<sup>۱</sup> معروف است. منتقد متون سعی می‌کند با روشهایی کاملاً علمی خود را به نزدیکترین و اصیلترین صورت متن، که مؤلف آن متن نگاشته است، برساند. بررسی این مقوله فرصت دیگری می‌طلبد، در این مجال به ذکر این نکته بسنده می‌کنیم که یکی از راههای ارزیابی علمی مقاله‌ها و آثار تحقیقی این است که ببینیم منابعی که نویسنده از آنها استفاده کرده، آیا از چاپهای غیر علمی و احیاناً بازاری یک کتاب است یا تصحیح انتقادی<sup>۲</sup> آن کتاب مورد استفاده قرار گرفته است؟ مثلاً از میان چاپهای مختلف مثنوی مولوی، تصحیح نیکلسون معتبرترین چاپ است و رواست که محقق در ارجاعات خود این چاپ را مدنظر قرار دهد.

علاوه بر استفاده از متون انتقادی، محقق باید توجه داشته باشد که مطالب خود را از منابع درجه اول انتخاب کند نه از منابع درجه دوم یا چندم که مطلب خود را از آن منبع نخستین گرفته‌اند. استفاده از منابع درجه اول، سختکوشی محقق و آشنا بودن او را به روشهای درست تحقیق می‌رساند و خواننده را از صحت و اعتبار مطالب مطمئن می‌سازد. تفاوت بسیار است در اینکه محقق مثلاً در بررسی عقاید معتزله به کتاب شرح الأصول الخمسه از قاضی عبدالجبار معتزلی و کتاب مقالات الاسلامیین از ابوالحسن

اشعری مراجعه کند یا به کتاب معتزله از دکتر محمود فاضل؛ کتاب اخیر با وجود فضل و دانش مؤلفش، به عصر حاضر تعلق دارد و در حوزه آموزش و مطالعه مورد استفاده قرار می‌گیرد نه در حوزه تحقیق جدی و اجتهاد.

نکته دیگری که محقق در همان مراحل اولیه تحقیق و اخذ مطالب از منابع، باید بدان توجه کند، این است که در مطالب گرفته شده از منابع نیز به دیده انتقاد و تدبیر بنگرد. ساده لوحی است که آنچه را دیگران نوشته و به مخازن کتابخانه‌ها سپرده‌اند، حقیقت مسلم بپنداریم. علوم انسانی، بویژه مسائل تاریخی و عقیدتی، همواره حوزه منازعات، مشاجرات و حب و بغض‌ها بوده است. از این رو، محقق آنچه را که از منابع اخذ می‌کند، اول باید به محک عقل بزند و سپس با قراین موجود در دیگر منابع معتبر بسنجد و تا هنگامی که حقانیت و درستی آنها محرز نشده، از بکار بردنشان خودداری ورزد. گاه برخی مسائل بدیهی و مسلم شمرده می‌شود و ذهن محقق در پذیرفتن آنها دچار شک و تردید نمی‌شود؛ در حالیکه جداً محل تردید است. مثلاً برخی از احادیثی که حتی بعنوان حدیث قدسی در جامعه مشهور شده، ساخته صوفیان صاحب ذوق بوده است که با وجود زیبا و خوب بودن کلام و حتی درستی مطلب، حدیث بودن و قدسی بودن آن مبنایی ندارد. کتاب کشف الخفاء و مزیل الإلباس از شیخ اسماعیل عجلونی و کتاب سلسلة الأحادیث الضعیفة و الموضوعة از محمد ناصر الدین الألبانی، برخی از این احادیث

را معرفی می‌کنند.

نکته ظریف دیگر در نقد مطالب، آن است که هنگام برگرفتن اقوال از کسان، توجه داشته باشیم که آیا آن قول بطور جدی از گوینده صادر شده یا بطریق طنز و شوخی؟ برای مثال، دیوان حافظ آکنده از اقوال متناقض‌نما یا پارادوکسیکال<sup>۳</sup> است که اگر خواننده و محقق در نقد و تحلیل اشعار او به این نکته توجه نداشته باشد، از درک درست بسیاری از اشعار او درمی‌ماند. مثلاً در شعر او، صوفی شخصیت بسیار منفی دارد تا جایی که می‌گوید:

کجاست صوفی دجال فعل ملحد شکل  
بگو بسوز که مهدی دین پناه رسید  
پس چگونه جای دیگر در غزلی عرفانی  
می‌گوید:

شکر ایزد که میان من و او صلح افتاد  
صوفیان رقص کنان ساغر شکرانه زدند  
یسا در آن غزل معروف "صوفی از پرتومی راز نهانی دانست" ظاهراً تناقضی در تلقی حافظ از صوفی وجود دارد. در حالیکه به نظر نگارنده اگر به جانب طنز شعر حافظ، که گاهی چنان رندانه است که از سخن جد تمییز داده نمی‌شود، توجه گردد، تناقض از میان برمی‌خیزد.

خواجه با طعنه می‌گوید که "حتی صوفی" با آن صفاتش، ساغر شکرانه زد یا راز نهانی دانست، چه رسد به دیگران. این طعنه به صوفی در غزل دیگر روشتر رخ

1) textual criticism

2) critical edition

3) Paradoxical

می‌نماید:

راز درون پرده ز رندان مست پرس

کاین حال نیست صوفی<sup>۱</sup> عالی مقام را  
روان‌شناسان مسی‌گویند یکی از  
واکنشهای دفاعی انسان در برابر کسی که از  
او نفرت دارد، احترام به اوست؛ در این  
نوع احترام، که البته تکلف‌آمیز و  
تمسخرآلود است، به گونه‌ای با خصم  
رفتار می‌شود که او منطقاً نمی‌تواند  
اعتراض و انتقادی کند، اما نیک می‌داند که  
این احترام، محتوای مثبتی ندارد. صورت  
دیگر این قضیه، ذمّ شبیه به مدح است که  
در مباحث بلاغی مسلمین جایگاهی دارد؛  
طنز حافظ، با این مفاهیم بیگانه نیست.

با ملاحظاتی که بدانها اشاره شد،  
محقق در روش کتابخانه‌ای، به جمع‌آوری  
اطلاعات می‌پردازد؛ این امر به صورت  
فیش‌برداری انجام می‌گیرد.<sup>۲</sup> فیش‌برداری  
طبق محورهای پیش‌بینی شده در طرح  
تحقیق، صورت می‌پذیرد؛ چنانکه آن  
محورها در قسمت بالایی برگه‌های فیش  
که محل ثبت موضوع فیش است،  
ملحوظ می‌گردد. در پایان فیش‌برداری،  
این برگه‌ها با توجه به موضوعات ثبت  
شده دسته‌بندی می‌شوند و به کمک  
استدلال در محورهای پیش‌بینی شده  
تألیف و تدوین می‌گردند. راجع به این  
مرحله پس از این سخن خواهیم گفت.

آنچه گفتنش در اینجا ضروری است، ذکر  
این نکته است که در تألیف و تحلیل  
مطالب، محقق و نویسنده باید ملاک و  
معیار خاصی داشته باشد؛ به عبارت  
دیگر، یکی از نظریه‌ها و مکاتب مهمی را  
که در این باب وجود دارد، انتخاب کرده با

معیار آن به نقد و تحلیل مطلب بپردازد.  
نکته مهمتر آنکه در تمام تحلیل خود، به  
آن نظریه یا مکتب پایبند باشد؛ مثلاً اگر  
از دیدگاه توحیدی به تحلیل قضایا نشسته  
است، در نیمه راه، تحلیلهای مارکسیستی  
ارائه ندهد؛ یا اگر به نقد فرمالیستی یک  
اثر پرداخته، دیگر به نقد محتوایی  
نپردازد (مگر آنکه مقصود تطبیق و مقایسه  
این دو امر باشد که خود مقوله دیگری  
است). مشکل مزبور معمولاً گریبانگیر  
مؤلفانی می‌شود که از خود نقد و نظر  
ندارند و فقط به نقل آراء دیگران  
می‌پردازند؛ آنهم بدون آنکه بر موضوع  
احاطه داشته باشند.

مقاله‌هایی که به مثابه از هر چمن  
گلی، از هر منبع مطلبی را بدون توجه به  
تناسب، هماهنگی و همخوانی آنها داشته  
باشند، طبعاً ساختار درست و مستحکمی  
نخواهند داشت.

ج - گردآوری مواد استدلال و منابع  
تحقیق: پس از تشکیل فرضیه، نوشتن  
طرح و انتخاب روش، محقق به خزانه  
معلومات خویش مراجعه می‌کند و از  
میان دانسته‌ها، آنچه را که ارتباطی با  
فرضیه و مجهول وی دارند، برمی‌گزیند،  
مرتب می‌کند و مقدمات استدلال خود را  
تشکیل می‌دهد.

در همین جا باید اشاره‌ای داشته باشیم  
به نوع و میزان معلوماتی که در وادی  
تحقیق، و به تبع آن در نگارش، مفید واقع  
می‌شوند. از قدیم گفته‌اند "کار نیکو کردن  
از پر کردن است"؛ معلمان، مربیان و  
مؤلفان همواره سفارش می‌کنند که برای  
عالم و نویسنده شدن، بسیار بخوانید و

خوب بخوانید؛ معمولاً در آغاز کتب  
منطق و در تعریف تفکر می‌گویند: "الفکر  
ترتیب امور معلومه للتأدی الی مجهول"  
که در منظومه حاج ملاهادی سبزواری  
چنین آمده است:

الفکر حركة الی المبادی

و من مبادی الی المراد  
مسلاً بخش قابل توجهی از امور  
معلومه یا مبادی ذهن همان معلومات  
اکتسابی است که از طریق مطالعه حاصل  
می‌شود. به دیگر سخن، برای موفقیت در  
تحقیق و تألیف باید اطلاعات گسترده‌ای  
داشته باشیم.

اینها درست است، اما همه مطلب  
نیست. باید تسوجه داشت که ذهن  
دانشمندان و نویسندگان، مانند بایگانی  
منظمی است که استفاده از محتویات آن  
براحتی امکان‌پذیر است. معلومات ایشان  
منظم، منسجم و هدفمند اندوخته شده  
است. آنچه که راقم این سطور "معلومات  
انباری" می‌نامد - مثل اثاث انباری، کتاب  
انباری، و... - در ذهن ایشان جایی ندارد؛  
در واقع، فضای ذهن ایشان با ارزش‌تر از  
آن است که با این قبیل امور پر شود. نکته  
آخری باید از آغاز به دانشجویان و  
دانش‌پژوهان تذکار داده شود تا اولاً بدانند

(۱) در چاپ خانلری چنین است، اما در  
تصحیح قزوینی "زاهد" آمده که البته هر دو طنز  
آلود است.

(۲) فرض بر این است که مخاطبان این مقاله  
روش درست فیش‌برداری را می‌دانند. تقریباً در  
تمام کتابهای روش تحقیق و راهنمای نگارش به  
این مطلب پرداخته شده است.

کتاب الفهرست او امروزه نیز از منابع مهمی است که به کار محققان ملل و نحل و موضوعات کهن می‌آید.

مشابه کار او در دوره‌های متأخر، کشف‌الظنون عن أسامی الکتب و الفنون تألیف حاجی خلیفه در قرن یازدهم هجری است که مشتمل بر ۲۵ هزار کتاب

فارسی، عربی، ترکی در ۳۰۰

فن و علم است و عمدتاً به

حوزه تألیفات اهل تسنن

تعلق دارد. ایضاً المکنون را

هم اسماعیل پاشا به عنوان

ذیل و تکملة کشف‌الظنون در

همین زمینه نوشته است.

فهرست با ارزش دیگری که

به حوزه تشیع اختصاص

دارد و از این نظر، جبران

نقص کار حاجی خلیفه

محسوب می‌شود، کتاب ۲۵

جلدی<sup>۳</sup> الذریعه إلی تصانیف الشیعه تألیف

حاج آقا بزرگ تهرانی (متولد ۱۲۹۳ هـ)

است که مثل کشف‌الظنون ترتیب الفبایی

مؤلف و موضوع شامل می‌شود. اما

جستجوی محققانه از کتابشناسی‌ها آغاز

می‌شود. کتابشناسی معمولاً به کتابهایی

اطلاق می‌شود که در موضوع خاصی از

موضوعات - که ممکن است مورد تحقیق

و مراجعه پژوهشگران باشد- تمام کتابها،

مقاله‌ها و تحقیقات انجام شده را تا تاریخ

آنچه که می‌آموزند، برای چه منظوری

است و ثانیاً از انباشته شدن مطالب

مزامح در ذهن خودداری کنند.

نکته مهمتری که امروزه در امر تحقیق

مطرح است و پیشینیان با آن مواجه

نبوده‌اند، فراوانی معلومات و گستره

روزافزون اطلاعات است که آموختن و

اندوختن همه آنها، آشکارا

از حد توان ذهنی انسان

بیرون است. امروزه دیگر

نمی‌توان نابغه‌ای را نشان

داد که جامع علوم معقول و

منقول باشد. عصر

ارتباطات با پدیده‌های

نوظهوری مثل اینترنت<sup>۱</sup> و

اینترنت<sup>۲</sup>، محقق را در میان

انبوهی از اطلاعات مرتب و

طبقه‌بندی شده قرار می‌دهد

و او را می‌دارد که به جای

انباشتن خزانه ذهنش، به نحوه استفاده از

داده‌های رایانه‌ای بیندیشد. از این رو،

مقوله‌های جدیدی در روش تحقیق مطرح

می‌شود که بررسی آنها خارج از بحث این

مقال است.

معلومات عمومی محقق و زمینه‌های

مطالعاتی او، اولین بستر و نخستین منبع

در امر تحقیق است، اما به اینها نمی‌توان

بسند کرد؛ باید به شیوه درست و علمی،

منابع معتبری که مواد تحقیق را در اختیار

محقق می‌گذارند، شناسایی شوند. نقطه

آغاز جستجوی ساده در این زمینه،

می‌تواند برگردان کتابخانه‌ها باشد که

فهرست الفبایی کتب موجود در آن

کتابخانه را بر سه مبنای نام کتاب، نام

**در تألیف و تحلیل مطالب، محقق و نویسنده باید ملاک و معیار خاصی داشته باشد؛ به عبارت دیگر، یکی از نظریه‌ها و مکاتب مهمی را که در این باب وجود دارد، انتخاب کرده با معیار آن به نقد و تحلیل مطلب بپردازد. نکته مهمتر آنکه در تمام تحلیل خود، به آن نظریه یا مکتب پایبند باشد.**

تهیه آن کتابشناسی معرفی می‌کند؛ مثل

کتابشناسی توصیفی منابع تاریخ علوم اسلامی

در ۴۳۰ صفحه که توسط ویلیام چیتیک

تهیه و در سال ۱۳۵۴ توسط حسین نصر

ترجمه و چاپ شده است.

سابقه تهیه و تدوین کتابشناسی در

فرهنگ و تمدن اسلامی به قرن چهارم

هجری برمی‌گردد؛ به این ندیم، وراق و

صحاف دانشوری که با بهره‌گیری از حرفه

و دانش خود، تمام کتابهایی را که تا آن

زمان در رشته‌های مختلف علوم به زبان

عربی نگاشته شده بود، همراه با

نویسندگان آن کتابها و حوزه دانش و

اندیشه‌ای که کتب مزبور بدانها متعلق بود،

معرفی کرد (البته به همان شیوه قدیمی).

## 1) Internet

## 2) Intranet

۳) مؤلف کتاب پیش از پایان کار تألیف

درگذشت و جلد پایانی توسط فرزند وی، دکتر

علی نقی منزوی، نوشته شد. مستدرک الذریعه نیز

همراه با فهرستهایی که استفاده از الذریعه را

تسهیل می‌کرد، به اهتمام سید احمد حسینی،

جلد ۲۶ را تشکیل داد. اما مهمتر از این، کتاب

تویب الذریعه نوشته احمد دیباجی است که

راهنمای مفید محققان و فهرست موضوعی

کتابهایی است که در الذریعه معرفی شده‌اند.

دارد. فهراس متعدد دیگری هم به شیوه سنتی توسط مسلمانان و ایرانیان در زمینه‌های مختلف نوشته شده است که برای خودداری از اطالۀ کلام، از ذکر آنها صرفنظر می‌شود.

با آنکه کتابشناسی و فهرست نویسی در تمدن اسلامی سابقه دیرینه دارد، فهرست نویسی به سبک نوین برگرفته از شیوه کار غربیان است. در عصر حاضر و سالهای اخیر، فهرستهای با ارزشی تهیه شده که ذکر نام تمامی آنها از حوصله این مقاله خارج است، ولی از آن میان می‌توان به فهرست کتب چاپی فارسی از خانابا مشار (شامل کتابهای منتشر شده از آغاز صنعت چاپ تا سال ۱۳۴۵ شمسی)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (در داخل و خارج ایران) از احمد منزوی، فهرست نسخ خطی و میکروفیلها از محمدتقی دانش‌پژوه اشاره کرد که راهنمای محققان و پژوهشگران در یافتن منابع اصیل در تحقیقات ایرانی و اسلامی هستند.

هر قدر که اهمیت و نقش فهرست‌نویسی و کتابشناسی در پیشبرد امر تحقیق روشنتر می‌شود، فهرستهای تازه‌تری با مدخلهای جدید به نمونه‌های پیشین افزوده می‌گشت. سرانجام مرکز اسناد و مدارک علمی وزارت فرهنگ و آموزش عالی در صدد برآمد که تمامی فهرستها و کتابشناسی‌های موجود کشور را در یک مجموعه معرفی کند. این امر توسط علی اکبر آقا بخشی انجام گرفت و در سال ۱۳۶۳ با نام کتابشناسی کتابشناسیها منتشر شد که چاپهای بعدی آن با تجدید نظر و افزوده‌ها به بازار کتاب آمد.

با توجه به ارزش و اهمیت کتاب در میان ملتها و محققان، از دیرباز فهرستهای مختلفی، در این زمینه تهیه شده است. اما مقاله به سبک نوین، از آنجا که پدیده متأخرتری است، قدر و منزلتش نیز دیرتر شناخته شده است؛ در حالیکه مقاله امتیازاتی دارد که کتاب فاقد آن است. حوزه مسائل و موضوعات مقاله محدودتر از کتاب است و زمان کمتری را برای تألیف می‌طلبد. علاوه بر این، سرعت انتشار مقاله سبب می‌شود که مطالب آن سریعتر از مطالب کتاب به دست خوانندگان برسد؛ در نتیجه جستجوگران مطالب نو و جدید بیشتر به مقاله رو می‌آورند؛ بویژه که مؤلفان کتب علمی در کشورهای پیشرفته، پیش از انتشار کتاب خود، مطالب آن را به صورت مقاله‌هایی منتشر می‌کنند تا به نقد و نظر دانشمندان و صاحبان نظران اهل فن برسد و معایب و کاستیهای آن برطرف گردد.

امروزه اهمیت مقاله و مقاله نویسی بر کسی پوشیده نیست؛ اما در گذشته‌ای نه چندان دور، آنگاه که نخستین فهرست مقالات فارسی در سال ۱۳۴۸ چاپ می‌شد، اهمیت مقاله برای محققان و نویسندگان بقدری ناشناخته بود که ایرج افشار، در مقدمه آن با تردید نوشت: "شاید تصور فایده‌ای در آن نرود". البته این تردید و تأسف با گذشت زمان و چاپ مجلداتی از فهرست مقالات فارسی - که هنوز هم ادامه دارد - و استقبال محققان از آن برطرف شد. انتشار کتاب *Index Islamicus* اثر پیرسن نیز که فهرست مقاله‌هایی در زمینه تحقیقات

اسلامی بود، الهام بخش و دلگرم‌کننده وی در ادامه کار فهرست مقالات فارسی به شمار می‌رفت.

ایرج افشار با تهیه فهرست مقالات فارسی که شامل مقاله‌های ایران‌شناسی در فرهنگ و ادب فارسی از سال ۱۲۹۴ شمسی به بعد است، فضل تقدم را در تهیه فهراس و نمایه مقالات فارسی از آن خود ساخت. پس از او - و بخصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی - فهرستهای متعددی برای هدایت محققان و پژوهشگران به سوی مقالات و نشریات، ترتیب داده شد. اهمیت این کار، امروزه بقدری روشن است که نشریات ادواری معمولاً در پایان هر دوره یا هر چند سال یکبار، شماره‌ای از مجلات خود را به فهرست موضوعی، نام نویسنده و عنوان مقاله‌هایی که در مدت مذکور چاپ کرده‌اند، اختصاص می‌دهند.

از مهمترین کارهای مفیدی که در سالهای اخیر، در زمینه فهرست مقالات صورت گرفته، انتشار ماهنامه نمایه از سوی دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. این مجله با فهرستهای مختلف، محققان را از مجموعه مقالاتی که هر ماه در نشریات کشور چاپ می‌شود، آگاه می‌سازد و راه استفاده از یافته‌های جدید دانش و معرفت را به روی دانش‌پژوهان می‌گشاید.

امروزه پیشرفت علم و تکنولوژی، امکانات بهتر و پیشرفته‌تری را در اختیار محققان و پژوهشگران گذاشته است.

امکانات مختلف رایانه‌ای با صرف کمترین زمان و نیرو، منابع مورد نیاز محقق را به او معرفی می‌کند؛ شبکه اطلاع رسانی اینترنت، او را از آخرین تحقیقات انجام شده در داخل کشور مطلع می‌سازد و شبکه اینترنت با سرعتی معجزه آسا، تازه‌ترین یافته‌های علمی و اطلاعاتی محققان بین‌المللی را در هر نقطه جهان به پژوهندگان ارائه می‌دهد.

البته در استفاده از امکانات رایانه‌ای و فهارس مورد اشاره، باید توجه داشت که ارزیابی اطلاعات و تعیین اعتبار آنها در اینگونه منابع مسکوت می‌ماند؛ مطالب غث و ثمین در کنار هم معرفی می‌شوند و گزینش و انتخاب آنها به محقق واگذار می‌گردد تا با صلاحیت و توان علمی خود، سالمترین و معتبرترین مواد را جهت ساختار تحقیق خویش به کارگیرد. نباید فراموش کرد که در بکارگیری منابع، اصالت با اعتبار منابع است نه تعدد آنها. اگر محقق کم تجربه از هر منبعی استفاده کند تا فهرست منابع مفصل‌تر گردد، در واقع، تحقیق و نوشته خود را کَشکولی پر از اشیاء ناهمگون و نا متناسب ساخته است. فهرست منابع، نمودار اعتبار علمی نوشته و نشانگر اشراف نویسنده بر منابع است.

وجود برخی عناوین در فهرست منابع، نه تنها اعتباری به نوشته مزبور نمی‌دهد، بلکه از ارزش آن می‌کاهد؛ همچون انگشت ششم در دست انسان که وجودش عیب و نقص شمرده می‌شود.

محقق باید بکوشد که از قدیمی‌ترین منابع و جدیدترین تحقیقات استفاده کند؛

اگر مطلبی از قدما نقل می‌شود به نخستین گوینده و صادرکننده رأی استناد شود و اگر نظریه جدیدی مورد بحث است، علاوه بر توجه به سیر تکاملی آن، باید کاملترین و آخرین شکل آن، که منوط به استفاده از جدیدترین منابع است، بیاید.

**د - تنظیم مطالب و نتیجه‌گیری:**  
اطلاعات علمی از هر منبع و به هر طریقی که حاصل شود، مقدمات استدلال محقق را تشکیل می‌دهد. بسته به موضوع مورد تحقیق و نوع استدلال مربوط به آن، که قیاسی باشد یا استقرایی و تمثیلی، مقدمات به شیوه خاصی تدارک می‌گردد که در روشهای تحقیق علوم باید بدانها پرداخت؛ اما در همه آنها محقق و نویسنده با قدرت تعقل خود، در پی بدست آوردن رشته‌ای است که معلومات و مقدمات مزبور را در سلک منتظمی برکشد و انسان را از آن مقدمات به نتایج مطلوب برساند.

بسیار اتفاق می‌افتد که پژوهندگان نوپا، در موضوعی خاص انبوهی از فیشهای تحقیق و یافته‌های مقدماتی را جمع کرده‌اند و مانده‌اند که با آنها چه بکنند و تحقیق خود را چگونه سامان دهند. بخشی از این مشکل مربوط به آن است که پژوهندگان مزبور، طرحی برای تحقیق خود ندارند و نمی‌دانند در جستجوی حل کدام مجهولند. فیشهای تحقیق با چنین محققانی، به زبان حال می‌گویند: "با شما نامحرمان ما خامشیم" اما اگر محقق فرضیه‌ای برای خود داشته باشد و بداند در جستجوی چیست، آنگاه خود مطالب و منابع زبان می‌کشایند و

می‌گویند که با آنها چه می‌شود کرد.

از این گذشته، مشکل اساسی بسیاری از دانش‌آموختگان ما کم توانی در اندیشیدن است؛ این به معنای نقص قوه عقلانی نیست - که قوم ایرانی به اعتراف جهانیان از این اتهام ببری است - بلکه مقصود عدم ورزیدگی در تعقل است. نظام آموزشی ما در مراحل مختلف تحصیلی، غالباً بر محفوظات درسی تکیه دارد و کمتر به فکر درمان اشکالات نظام اندیشه‌ای است؛ در حالیکه رسالت اصلی معلم، آن است که اندیشیدن را به شاگردانش بیاموزد نه اندیشه‌ها را. این مشکل اساسی ما در امر تحقیق است که راه دراز و دشواری را پیش پای ما می‌گشاید.

ناگفته پیداست که در میان محققان، کسانی موفق‌ترند که قدرت تعقل بالاتر و هوش سرشارتری دارند؛ زیرا محقق در پی آن است که رابطه میان پدیده‌های هستی را بیابد و از طریق ارتباط دادن آنها با یکدیگر به نتایج تازه‌ای برسد. هرچه قدرت ارتباط دادن بالاتر و توان پیدا کردن رابطه‌ها و حد وسط‌ها - در اصطلاح منطق صوری - بیشتر باشد، نتایج متقن‌تر و جالبتر خواهد بود. از همین جاست که ارسطو کشف سریع حد وسط‌های مورد نیاز را عین تیزهوشی می‌داند.

حد وسط، محور اصلی قیاس منطقی است و استدلال، در واقع، برگرد آن می‌چرخد. حد وسط میانجی و وسیله ارتباط دادن مقدمات با نتیجه است و به منزله سنگی عمل می‌کند که برای عبور از آب، وسط نهر انداخته باشند. وقتی در ارزیابی نوشته‌ها و مقالات سؤال می‌کنند



که آیا ارتباط و انسجام منطقی میان مطالب وجود دارد و آیا نتیجه‌گیری درست از مقدمات صورت گرفته است، منظور همین نکته‌های اخیر و درست بکار گرفتن حدوسط است. در اینجا حکایتی تداعی می‌شود که شاید مثال مطلوبی برای بحث ما نباشد، اما لاف‌بگویی بخشی از آن

با آموزشهای ناقص و ناکافی ما و تبعات فرهنگی ناشی از آن مشابَهت دارد. گویند پادشاهی پسر به مکتب سپرد تا او را شایسته بارگاه شاهی آموزش دهند؛ روزگاری بر آمد و استادان سعی بلیغ کردند. روزی پادشاه بهر آزمون پسر، انگشتی در مشت پنهان کرد و از او پرسید: توانی گفت آنچه در مشت من است، چه نشان دارد؟ پسر

پاسخ داد: گرد است و زرد است و معجوف. پادشاه بر او آفرین کرد و پرسید: بسیار خوب! آن چیست؟ پسر گفت: غریب! پادشاه گفت: چندین نشانه‌های عجب که بر شمردی، تو را آنقدر عقل و درایت نبود که بدانی غریب در مشت جای نمی‌گیرد؟! حکایت مقدمات، نتایج و مؤخرات در برخی از نوشته‌های ما - با همه تلخی - حکایت غریب در مشت است؛ سست و بی‌ربط و بی‌هیچ پشتوانه عقلانی و استدلالی.

امروزه همگی بر آنیم که نقطه مقابل جهل، "علم" است و عالم در مقابل جاهل

قرار دارد؛ علم را هم مجموعه‌ای از اطلاعات و معلومات می‌دانیم؛ در حالیکه شیخ کلینی، عالم و فقیه معروف شیعی در قرن دوم و سوم هجری، با بهره‌گیری از تعالیم اسلامی، در کتاب ارزشمند اصول کافی، نه تنها علم، بلکه مهمتر از آن، عقل را در برابر جهل نهاده و

**محقق باید بکوشد که از قدیمی‌ترین منابع و جدیدترین تحقیقات استفاده کند؛ اگر مطلبی از قدما نقل می‌شود به نخستین گوینده و صادرکننده رأی استناد شود و اگر نظریه جدیدی مورد بحث است، علاوه بر توجه به سیر تکاملی آن، باید کاملترین و آخرین شکل آن، که منوط به استفاده از جدیدترین منابع است، بیاید.**

باب "عقل و جهل" را در کلام معصومان علیهم‌السلام پی گرفته است، که این نکته قابل تأملی است و توجه بدان، پژوهشگر را از فرو افتادن به ورطه "غریب" در مشت باز می‌دارد.

از دیدگاه اسلامی، عالم کسی است که عاقل و متدبر نیز هست. چنین عالمی اگر تألیفات علمی، حتی برگه‌ای و صفحه‌ای حاوی مطالب علمی داشته باشد، این برگه در روز قیامت، میان او و آتش جهنم حایل می‌شود: قال رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: المؤمن إذا مات و ترک ورقة واحدة علیها علم، تكون تلك الورقة يوم القيامة

سترأ فیما بینہ و بین النار.<sup>۱</sup>

واژه تحقیق از ریشه "حق" و حق به معنی درست، استوار و ثابت است. تحقیق امری، یعنی آن امر را ثابت و استوار ساختن و درستی اش را به اثبات رساندن. از این رو، محقق زمانی واقعاً در جاده تحقیق است که حاصل کارش رد و اثبات چیزی، یعنی تحقق

بخشیدن به فرضیه نخستین باشد.

وجه مفارق مقاله‌های علمی با مقالات عمومی، اجتماعی و فرهنگی در این است که محقق در مقاله علمی با طرح فرضیه و با بکار گرفتن روش علمی، صحیحترین اطلاعات را از معتبرترین منابع می‌گیرد، آنها را با استدلال محکم و استوار به شکل درست ترکیب می‌کند و نتایج نو و

متقن ارائه می‌دهد که برای خوانندگان جالب و مفید است. اما در مقاله‌های عمومی، نویسنده غالباً در پی توضیح و تشریح مطلبی است که لاف‌بگویی از خوانندگان، آن را می‌دانند، لکن وی در صدد ارائه نگرشی نو و تحلیل دیدگاههای خویش است و می‌خواهد مخاطبان را با خود موافق و همراه سازد.

دسته دیگری از مقاله‌ها که در حد میانه دو گروه یاد شده جای می‌گیرند، مقاله‌های تحقیقی - تألیفی هستند که در

این نوع مقالات، نویسنده الزاماً به رد و اثبات فرضیه‌ای نمی‌پردازد؛ بلکه با همان دقت و وسواسی که پیشتر ذکر شد، مطالب مهم و مورد نیاز را از منابع درجه اول برمی‌گیرد و به آنها نظام نوی می‌بخشد تا در موضوعی مهم، اطلاعات تازه‌ای به خواننده بدهد و زوایای پنهان در امری را آشکار سازد. به عبارت دیگر، موضوعی را که در سایه افتاده است و ارزش طرح شدن دارد، مطرح می‌سازد تا به حل برخی سوالات و تحقیقات علمی کمک کند. ملاحظه می‌شود که اینگونه مقالات، خود لازمه کار و بستر مناسب برای مقالات تحقیقی هستند و به این مناسبت از ارزش بالایی برخوردارند. در این مقالات هم، طرح تحقیق و انتخاب روش الزامی است و نویسنده در بخشهای مختلف آن، گاه به اجتهاد شخصی رد و اثبات قضایا می‌پردازد، غلطهای رایج را می‌زداید و باورهای عمومی مطلعان حوزه دانش خود را تصحیح و دگرگون می‌کند. در این صورت، اعتبار علمی مقاله بالا می‌رود.

### نگارش:

پس از پایان مراحل پژوهش، نوبت ارائه مطالب موجود و نتایج بدست آمده به شکل درست و زیبا می‌رسد. در این مرحله به نکاتی چند باید توجه کرد:

۱- طرح مقاله: همانگونه که در مرحله پژوهش، طرح تحقیق الزامی است، در مرحله نگارش نیز طرح نوشته لازم و ضروری است؛ این دو طرح کاملاً با یکدیگر مرتبط هستند و هنگام نوشتن مقاله باید پیش روی نویسنده باشند.

طرح نوشته شامل سه بخش مقدمه، متن و نتیجه یا بخش پایانی است. البته لزومی ندارد که این بخشها از هم جدا باشند یا عنوان گردند؛ بلکه معمولاً چنان پرداخته می‌شوند که مرز مشخصی میان آنها احساس نشود.

مقدمه، آغاز دلپذیری است که ذهن خواننده را برای ورود به بخش اصلی متن آماده می‌کند و کنجکاوی او را برای پیگیری مطلب برمی‌انگیزد. "حسن مطلع" و "براعت استهلال" از جمله ملاحظات بلاغی مربوط به مقدمه در کتب و رسایل قدیم بود که ادبا و نویسندگان قدیم با همان موازین علمی و ادبی زمان خودشان - که در کتب معانی و بیان مذکور است - آن را رعایت می‌کردند. امروزه وجود مقدمه در مقاله‌های علمی - تحقیقی الزامی به نظر می‌آید و ضرورت بحث و طرح مسأله بنحو مطلوب و منطقی در آن بیان می‌شود؛ اما مقاله‌های عمومی، گاه بنا به ذوق و تشخیص نویسنده، بدون مقدمه رسمی، و همچون داستان از قسمتهای میانی، مخصوصاً از جالبترین و برانگیزاننده‌ترین بخش شروع می‌شود. گاهی هم در مقاله‌های جدی و علمی، مقدمه بسیار کوتاه و ادغام شده در متن است. در این نوع مقاله‌ها، نویسنده به چکیده‌ای که برای مقاله خود نوشته و در آغاز آورده است، بسنده می‌کند و مطلب خود را ظاهراً بدون مقدمه می‌آغازد و از همان نخست، به اصل مطلب می‌پردازد. این نوع نگارش، اگر با مهارت انجام گیرد، در ایجاز سخن، فشردگی مطالب و جلوگیری از قلمفرسایی مؤثر است.

بخش دیگر مقاله، متن اصلی یا ذی المقدمه است که حاوی مهمترین و اصلی‌ترین مطالب مقاله است. نویسنده در این بخش، استدلال علمی خود را در جهت رد و اثبات فرضیه نخستین ارائه می‌دهد و نتایجی را که به دست آورده، به نظر خوانندگان می‌رساند. این بخش، میدان مناسبی برای عرضه افکار و دیدگاههای نویسنده است و به وی فرصت می‌دهد تا پیام خود را در قالب کلام نافذ و رسا به خوانندگان برساند و آنها را با خود همراه سازد. نظم و انسجام مقاله، بیشتر در این بخش تحقق می‌یابد. باید توجه کرد که انسجام هر نوشته‌ای در دو بعد قابل تحقق است: بعد ذهنی و بعد نگارشی. انسجام نگارشی بدون انسجام ذهنی و منطقی امکانپذیر نیست. نویسنده به مثابه "اول اندیشه و انگهی گفتار" نخست تفکر و استدلال خود را در موضوع مورد تحقیق سامان می‌بخشد و آن را استوار می‌سازد؛ سپس در مقام پیام رسانی و ایجاد تفاهم، ابزارهای کلامی را به یاری می‌گیرد، مطالب خود را با ذکر مثالها و نمونه‌ها می‌پروراند و در مناسبترین جامه به منصفه ظهور می‌رساند. نتیجه یا بخش پایانی در انواع مقاله‌ها تفاوتی دارد. به عبارت دیگر، همه مقاله‌ها به یک شیوه پایان نمی‌پذیرند. در مقاله‌های عمومی، فرهنگی و ادبی بهتر آن است که مقدمه و متن مقاله به گونه‌ای پرداخت شود که نتیجه لازم را خود خواننده در پایان مقاله بگیرد؛ به این ترتیب، نویسنده در رسالت خود موفق گشته و توانسته است خواننده را در تفکر

خویش سهم سازد. اما اگر نویسنده مایل است نتیجه را در پایان مقاله بیاورد، باید از لحنی و قالبی استفاده کند که بهترین اثر را بر ذهن و ضمیر خواننده بگذارد؛ معمولاً لحن غیر مستقیم و کنایه آلود مؤثرتر از بیان صریح و مستقیم است، که از دیرباز گفته‌اند: *الکناية أبلغ من التصريح*. پسندیده نیست که نویسنده با لحن صریح و آمرانه‌ای مثلاً بگوید: از آنچه گفته شد نتیجه می‌گیریم که... یا بر ماست که اکنون چنین کنیم... اینگونه لحنها خواننده را به مقاومت، بن بست تفکر و جمود اندیشه می‌رساند. توان نویسنده‌گی آنجا ظاهر می‌شود که خواننده پس از اتمام مطالعه مقاله چشم بر هم نهد، با نویسنده همدلی کند، به محتویات مقاله بیندیشد و به نقد و نظر سوق داده شود.

اما پایان مقاله‌های تحقیقی از گونه‌ای دیگر است؛ اینجا نویسنده باید نتیجه‌ای را که از تحقیقات خود گرفته است، بطور روشن و مشخص اعلام کند. این کار علاوه بر آنکه فایده مقاله و داوری علمی درباره آن را میسر می‌سازد، به محققانی که اطلاعات مورد نیاز را از مقاله مزبور گرفته و برای انجام تحقیقات تکمیلی برانگیخته شده‌اند، امکان می‌دهد که راههای ادامه تحقیق را بررسی کنند و در صورت تمایل، آن را برعهده گیرند. به عقیده برخی، حتی لازم است که نویسنده در پایان، راههای ادامه کار و افقهای باز تحقیق را به خواننده نشان دهد و او را در این انتخاب یاری رساند.

۲- **مستند نوشتن:** در نگارش مقاله - بخصوص مقاله‌های تحقیقی - باید از

حدس و گمان و تخیل، یا تکیه بر گفته‌ها و شنیده‌های غیر موثق، بدون منبع و غیر تحقیقی جداً پرهیز کرد. راه یافتن اینگونه امور در مقاله، تمام زحمات محقق و نویسنده را بر باد می‌دهد و نوشته او را بی اعتبار می‌سازد.

در ارزیابی منابع گفتیم که محقق باید مطالب و مقدمات خود را از معتبرترین منابع اخذ کند. اکنون یادآور می‌شویم که هر جا نویسنده از مطالب مزبور استفاده کرد، باید در مقاله خود بدان اشاره کند و نشانی دقیق منبع را به خواننده باز گوید. این کار فواید و محسناتی دارد؛ از جمله اینست که اولاً یک اصل اخلاقی، یعنی امانتداری را رعایت کرده و در نتیجه آن، خود را از اتهام سرقت علمی و ادبی دور نگه داشته است. ثانیاً به تبعات صحت و سقم مطالب استفاده شده دچار نگشته است. گرچه محقق باید مطالبی را که از دیگران اخذ می‌کند، به محک بزند و پس از اطمینان از صحت آنها در نوشته‌های خود استفاده کند، لیکن گاه تعیین صحت و سقم مطلب برای نویسنده میسر نیست (به علت توان علمی وی یا به علت ماهیت مطلب). در این صورت، اگر مأخذ را دقیقاً ذکر کند، ذمه خود را از بار مسؤولیت بری ساخته است. در حدیثی از حضرت علی علیه السلام به این نکته توجه شده است؛ ایشان می‌فرمایند: "هرگاه حدیثی به شما گفته شود، آن را در مقام نقل، به گوینده‌اش اسناد دهید که اگر راست باشد، به نفع شماست و اگر دروغ باشد، به زیان گوینده است."<sup>۱</sup>

ثالثاً با ذکر نشانی دقیق منبع، راه

پژوهش برای خوانندگان و محققان دیگر بازتر می‌شود. آنها می‌توانند مطالب ارائه شده را با رجوع به منبع بررسی و کنترل کنند، اطلاعات کاملتری به دست آورند و در تحقیقات دیگر به کار برند.

دلایلی که ذکر شد، بعلاوه ملاحظات دیگری، سبب می‌شود که استنادها و ارجاعات مقاله، جزو استانداردهای نگارش محسوب شود و رعایت آنها ارزش علمی - تحقیقی مقاله را بالا ببرد.

در ارجاع دادن نباید افراط کرد؛ هم افراط و هم تفریط در این کار، نشانه ناآزمودگی، کم دانشی و فضل فروشی است. اصولاً باید توجه داشت مطالبی که در هر رشته تخصصی جزو اطلاعات عمومی و موضوعات پذیرفته شده اهل آن رشته و خارج از نزاع و مناقشه یا تردید است، از ذکر مرجع مستثناست. همچنین مطالبی که در حوزه اجتهاد محقق و نویسنده قرار دارد و او با تدبر و تجربه خود به آنها رسیده است و هنگام تألیف از منبع دیگری اخذ نمی‌کند، نیازی به ارجاع و اسناد ندارد.

ثبت ارجاعات، شیوه‌های گوناگون دارد که به یکی از آنها، یعنی ذکر ارجاع در پاورقی اشاره می‌شود.<sup>۲</sup>

(۱) إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَأَسْنَدُوهُ إِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ، فَإِنْ كَانَ حَقًّا فَلَكُمْ وَإِنْ كَانَ كَذِبًا فَلِعَلِيهِ (اصول کافی، کلینی، ترجمه و شرح مصطفوی، ج ۱، ص ۶۶).

(۲) با توجه به شیوه‌های مختلفی که در زمینه نظام صوری مقالات میان نویسندگان، ویراستاران و مؤسسات انتشاراتی وجود دارد و

اگر مطلب خاصی بیش از یک منبع داشته باشد، پس از ذکر منبع اول، نقطه ویرگول (؛) می‌گذاریم، سپس منبع دوم را معرفی می‌کنیم و باز نقطه ویرگول می‌گذاریم و منبع سوم را می‌آوریم، الخ. مشخصات کامل منبع، به ترتیبی که پس از این خواهیم گفت، در فهرست منابع می‌آید، نه در پاورقی.

باید توجه کرد که اگر منبع مورد استفاده به زبان دیگری مثل عربی و انگلیسی باشد، ارجاع هم به همان خط و زبان نوشته می‌شود و نباید نام و مشخصات کتاب را در ارجاع یا فهرست منابع ترجمه کرد:

۱- الفتوحات المکیة، ابن عربی،

تصحیح عثمان یحیی، ج ۱۲، ص ۴۳۵

1. History of classical scholarship, Sandy, v.1, p.123

اگر منبع مورد استفاده، بلافاصله در ارجاع بعدی تکرار شود، دیگر نام منبع و نویسنده را نباید نوشت؛ بلکه در فارسی می‌نویسیم "همان منبع"، در عربی "نفس المصدر" و در انگلیسی "ibid" (مخفف ibidem). اما اگر منبع مورد استفاده پس از یکی دو ارجاع تکرار شود، نام کتاب باید ذکر شود و نام نویسنده، دیگر

بررسی تمام آنها مجال بیشتری می‌طلبد، در این مقاله به شیوه مختار ندای صادق می‌پردازیم که خوانندگان و نویسندگان آن، مخاطبان خاص این مقاله هستند.

1) Footnote

2) Content Footnote

3) reference footnote

۲- پاورقی ارجاعی: پاورقی ارجاعی برای ذکر سند و منبع مورد استفاده نویسنده است. راهنمای خواننده به منبع مورد استفاده، شماره ارجاع است. شماره ارجاع، گاه برای سهولت امر در تمام مقاله مسلسل است و گاه در هر صفحه از عدد ۱ شروع می‌شود و به تعداد ارجاعات ادامه می‌یابد. محل ارجاع در متن، پایان مطلب اخذ شده از منبع است؛ پس از نقطه پایانی و بالاتر از خط زمینه، شماره ارجاع نوشته می‌شود و سپس همان شماره در پاورقی می‌آید و پس از خط فاصله، نام مشهور و مختصر کتاب، نویسنده و مصحح یا مترجم (اگر تصحیح یا ترجمه شده باشد) نوشته می‌شود و سپس شماره جلد و صفحه‌ای که مطلب از آن اخذ شده است، قید می‌گردد:

۱- اصول کافی، کلینی، ترجمه و شرح

مصطفوی، ج ۲، ص ۱۲۵

اگر اثری دو یا سه مؤلف داشته باشد، نام آنها به ترتیبی که در روی جلد یا صفحه حقوقی آمده است، ذکر می‌شود: اسطوره زندگی زردشت، ژاله آموزگار و احمد تفضلی،....

و اگر بیش از سه مؤلف داشته باشد، اولی را می‌نویسیم و سپس قید "و دیگران" را به آن می‌افزاییم:

انسسان و سمبولهایش، کارل گوستاو یونگ و دیگران،....

چنانکه ملاحظه می‌شود نشانه فارق میان مشخصات منبع، کاما یا ویرگول (،) است و استفاده از نقطه یا خط فاصله یا هر نشانه دیگر، خارج از استانداردهای پذیرفته شده می‌باشد.

پاورقی: پاورقی به یادداشتهایی گفته می‌شود که در بخش پایانی صفحه نوشته می‌شود و به وسیله پاره خطی از متن اصلی جدا می‌گردد؛ در عربی به آن "الهامش" می‌گویند. پاورقی بر دو نوع است:

۱- پاورقی توضیحی: این نوع پاورقی معمولاً شامل مطالب تکمیلی است که برای روشتر شدن مطالب مجمل متن می‌آید. نویسنده در این نوع پاورقی، به مطالب فرعی می‌پردازد که دانستنش برای خواننده مفید و حتی ضروری است؛ اما اگر در متن بیاید، موجب گسستگی مطلب می‌گردد. لذا آن را به پاورقی منتقل می‌کنند که هم فوت نشده باشد و هم لطمه‌ای به انسجام متن وارد نکند. اگر این مطلب از خود نویسنده نبوده از منبع دیگری اخذ شده باشد، باید به منبع مزبور ارجاع داده شود؛ بدینگونه که پس از آخرین جمله و قبل از نقطه پایانی، پرانتز باز کرده نام و نشان منبع را، همانطور که در دیگر ارجاعات می‌آید، بنویسند و پرانتز را بسته، نقطه پایانی جمله را بگذارند.

علاوه بر این، معنی واژه‌های دشوار، املاهای لاتین اسامی خاص، و معادل خارجی برخی اصطلاحات نیز در پاورقی‌های توضیحی می‌آید. گاهی نویسنده در مورد خاصی هنگام بیان مطلب، از کسی که مطلب مزبور را به او یادآوری کرده یا امکاناتی را در اختیار وی گذاشته است، ذکر خیر و اظهار قدردانی می‌کند که محل چنین اشاره‌هایی نیز در پاورقی است.

ضروری نیست، مگر آنکه نام کتاب موارد مشابه داشته باشد؛ چنانکه دوره حقوق مدنی ایران را هم دکتر ناصر کاتوزیان گردآوری کرده است، هم دکتر جعفری لنگرودی و هم دکتر سید حسین صفایی.

اگر ارجاع به کتاب لغت، فرهنگ یا دایرةالمعارف باشد، از آنجا که اینگونه کتب، ترتیب الفبایی دارند، ذکر صفحه در آنها ضرورتی ندارد؛ در فرهنگها اگر قید بشود "ذیل کلمة فلان یا ماده فلان" کافی است و در دایرةالمعارفها، عنوان مطلب و نام نویسنده آن کفایت می‌کند.

ارجاع به نسخه‌های خطی یا میکروفیلم‌ها دقت ویژه‌ای می‌طلبد. از آنجا که صفحات اینگونه آثار به شیوه کتب چاپی شماره‌گذاری نشده‌اند، باید شیوه آنها در ارجاع ملحوظ گردد. شماره‌گذاری این آثار، بر مبنای برگه و ورق است نه صفحه. لذا باید شماره برگه را ذکر کنیم و سپس با قید پشت و رو (پ یا ر) آن را مشخص سازیم؛ مثلاً:

قابوس نامه (نسخه خطی)، عنصر المعالی کیکاوس بن اسکندر، ۵۷ ر  
در برخی نسخه‌ها، دو صفحه روبرو، یک شماره دارند که قید الف صفحه سمت راست را مشخص می‌کند و قید ب صفحه سمت چپ را:

شرح نظم الدرر (نسخه خطی)، صابین الدین علی ترکه، ۴۵ الف

مصححان فرنگی نسخ خطی، غالباً a و b را به جای الف و ب به کار می‌برند: ۴۵b-۴۵a

اگر منبع مورد استفاده محقق، نه کتاب، بلکه مقاله‌ای باشد که در یک

مجله، نشریه، یا مجموعه‌ای چاپ شده است، نام مقاله داخل گیومه « » قرار می‌گیرد و نام مجله یا مجموعه و شماره آن بعد از نام نویسنده و مترجم مقاله می‌آید:

«زیبایی»، افلوطین، ترجمه سید حسینی، نشریه معارف، دوره ۴، شماره ۱، ص ۱۲۳

ارجاعات مذکور در پاورقی ممکن است به کتاب حاضر مؤلف مربوط شود؛ بدین گونه که نویسنده، مطلبی را به بخش دیگری از کتاب خود ارجاع دهد که تکرارش را در اینجا لازم نمی‌بیند. این نوع ارجاع، البته در مقاله کاربردی ندارد.

یکی دیگر از موارد کاربرد پاورقی کتب، ذکر نسخه بدلها<sup>۱</sup> در متون انتقادی است. بدین گونه که مصحح متن، اختلاف نسخه‌ها را در پاورقی می‌آورد تا خواننده محقق امکان بررسی و مقایسه آنها را داشته باشد. این کار روش خاصی دارد که از بحث فعلی ما خارج است.

**فهرست منابع:** فهرست منابع که گاه با عنوان کتابنامه و کتابشناسی از آن یاد می‌شود، نمایانگر استفاده مؤلف و محقق از کتابها و آثاری است که مقاله یا کتاب با استناد بدانها نوشته شده است. نخست باید یادآوری کرد که تنها منابعی در این فهرست ذکر می‌شود که در پاورقیها آمده و بطور مشخص مورد استناد و استفاده مؤلف قرار گرفته باشد. فهرستهایی که بدون توجه به این نکته تهیه شوند، پیش از هر چیز، نشانگر بی‌اطلاعی و کم‌دانشی مؤلف هستند.

فهرست منابع به صورت الفبایی

تنظیم می‌شود. برخی معتقدند که اگر ارجاعات پاورقی با نام کتاب صورت گرفته است، فهرست منابع باید با نام مؤلف تنظیم شود و برعکس، اگر ارجاعات پاورقی با نام مؤلف است، فهرست منابع با نام کتب فراهم آید؛ به عقیده نگارنده، فایده‌ای بر این شیوه مترتب نیست؛ زیرا فهرست منابع به این منظور تنظیم می‌گردد که اگر کسی خواست به منابع مورد استفاده مؤلف مراجعه و درباره آن تحقیق کند، نام و نشان آن منابع را بطور کامل از فهرست منابع به دست آورد. حال اگر ترتیب این دو (هم ارجاعات پاورقی و هم فهرست منابع) به یک منوال باشد، منظور فوق براحتی حاصل می‌شود؛ ولی اگر ترتیب آنها یکسان نباشد، خواننده در انطباق دادن منابع پاورقی با فهرست منابع، گرفتار اتلاف وقت و دشواری امر می‌شود، بخصوص هنگامی که تعداد منابع بسیار باشد.

در فهرست منابع، تمام مشخصات منبع ذکر می‌شود. نخست نام کامل کتاب بر اساس صفحه عنوان می‌آید. اگر نام کامل کتاب با نام مشهوری که در پاورقیها ذکر شده است، متفاوت باشد، منبع در ردیف الفبایی هر دو نام می‌آید؛ با این تفاوت که در ردیف نام کامل، تمام مشخصات، به ترتیبی که خواهیم گفت، ذکر می‌شود و در ردیف نام مشهور، تنها قید می‌گردد که بنگرید به (نام کامل):

تفسیر صافی: بنگرید به: کتاب الصافی

فی تفسیر القرآن

...  
کتاب الصافی فی تفسیر القرآن: الفیض الکاشانی، تصحیح شیخ ابوالحسن شعرانی،...  
پس از نام کامل کتاب، علامت دو نقطه (:): گذاشته می‌شود و سپس نام کامل نویسنده، نام کامل مصحح یا مترجم،

محل نشر، ناشر، سال نشر، نوبت نشر و تعداد مجلدات دوره می‌آید. اگر چاپ کتابهای دوره‌ای چند سال طول کشیده باشد، در محل سال نشر، ابتدا تاریخ نشر اولین جلد را می‌نویسیم، سپس خط فاصله

می‌گذاریم و در سمت چپ آن، تاریخ انتشار آخرین جلد را می‌آوریم. اگر چاپ این قبیل کتابها هنوز به اتمام نرسیده باشد، سمت چپ خط فاصله، خالی و به صورت نقطه چین باقی می‌ماند:

الفتوحات المکیة: محیی الدین بن عربی، تصحیح عثمان یحیی، قاهره، المكتبة العربیة، ۱۹۸۵ م ...، الطبعة الاولى.

اگر کتاب خاصی مجهول المؤلف باشد، طبعاً در ارجاع و فهرست منابع، نام مؤلف نخواهد داشت؛ در آن صورت، نام مصحح یا گردآورنده اثر (چه حقیقی و چه حقوقی مثل مؤسسات تحقیقاتی) به جای مؤلف ذکر می‌شود:

دو فرس نامه منثور و منظوم: به اهتمام دکتر علی سلطانی‌گرد فرامرزی، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل شعبه

تهران، ۱۳۶۶ ش، چاپ اول

اگر در ارجاعات خود، از نسخ خطی و میکروفیلم هم استفاده کرده باشیم، باید در فهرست منابع، مشخصات کامل آن را بیاوریم که عبارت است از محل نگهداری، شهر، شماره، نسخه، تاریخ کتابت و نام کاتب:  
شرح نظم الدر: صاین الدین علی ترکه

**توان نویسندگی آنجا ظاهر می‌شود که خواننده پس از اتمام مطالعه مقاله چشم بر هم نهد، با نویسنده همدلی کند، به محتویات مقاله بیندیشد و به نقد و نظر سوق داده شود.**

اصفهانی، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، شماره ۱۰۱۹۶، ۷۲۸ هـ.

ذکر مشخصات مقاله‌ها در فهرست منابع، بدین گونه است که اگر مقاله در مجموعه‌ای مثلاً به مناسبت بزرگداشت دانشمندی باشد، علاوه بر آنچه پیشتر در باب ارجاع گفتیم، نام گردآورنده مجموعه و مشخصات چاپ، مثل کتاب می‌آید:

«مکتب تاریخ‌نگاری طبری»: دکتر صادق آیینه‌وند، یادنامه طبری، ویرایش محمد قاسم زاده، تهران، سازمان چاپ و انتشارات و مرکز تحقیقات علمی کشور، ۱۳۶۹ ش، چاپ اول، ص ۳۳۹-۳۵۴

اما اگر مقاله در مجله یا نشریه‌ای باشد، به جای مشخصات مذکور، دوره و شماره مجله با تاریخ انتشار ذکر می‌شود: «حفظ کتب ضلال و حکم فقهی آن»:

جمیله وافی، فصلنامه ندای صادق، دانشگاه امام صادق (علیه السلام) - واحد خواران، سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۷۸، ص ۱۰-۱۸

در تهیه فهرست منابع، کتب و مقالات فارسی و عربی، با هم و به ترتیب الفبایی تنظیم می‌شود و منابع انگلیسی و لاتین، پس از آنها و باز به ترتیب الفبایی می‌آید.

نمونه فهرست منابع با توجه به آنچه گفته شد، در ذیل می‌آید:

التیان فی تفسیر القرآن: ابز جعفر محمدبن الحسن الطوسی، تصحیح احمد حبیب قصیر العاملی، بیروت، دار احیاء التراث

العربی، ۱۴۰۹ هـ، الطبعة الأولى، ۱۰ مجلد

تفسیر صافی: بنگرید به: کتاب الصافی فی تفسیر القرآن

«حفظ کتب ضلال و حکم فقهی آن»: جمیله وافی، فصلنامه ندای صادق، دانشگاه امام صادق (علیه السلام) - واحد خواران، سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۷۸، ص ۱۰-۱۸

شرح نظم الدر: صاین الدین علی ترکه اصفهانی، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، شماره ۱۰۱۹۶، ۸۲۸ هـ

صور خیال در شعر فارسی: محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۵۸، چاپ دوم

فصوص الحکم: محیی الدین بن عربی، تصحیح ابوالعلاء عقیفی، بیروت،

دارالکتاب العربی، ۱۴۰۰ هـ ق / ۱۹۸۰ م،  
الطبعة الثانية

کتاب الصافی فی تفسیر القرآن: الفیض  
الکاشانی، تصحیح شیخ ابوالحسن  
شعرانی، تهران، کتابفروشی اسلامیة،  
۱۳۶۲ ش، چاپ ششم، ۷ جلد در ۲ مجلد  
«مکتب تاریخ نگاری طبری»: دکتر  
صادق آیینہ وند، یادنامه طبری، ویرایش  
محمد قاسم زاده، تهران، سازمان چاپ و  
انتشارات و مرکز تحقیقات علمی کشور،  
۱۳۶۹ ش، چاپ اول، ص ۳۳۹-۳۵۴

*History of classical  
Scholarship: J. E. Sandys ,  
third edition, Cambridge, 1921*

*Language , thought and  
reality : Selected writings of  
Benjamin Lee Whorf, edited by  
J. B. Carroll, New York, 1956*

*Outline of linguistic  
analysis : B . Blach and G.I.  
Trager Baltimore, 1942*

*Studies in Islamic  
Mysticism: R.A Nicholson,  
Cambridge, 1967*

### چکیده و کلید واژه:

پس از پایان نگارش مقاله، لازم است  
چکیده آن برای درج در آغاز مقاله تهیه  
گردد. چکیده براساس طرح تحقیق نوشته  
می‌شود و نویسنده در آن، بطور فشرده  
موضوع مقاله، عناوین بحث، روش کار،  
نوع منابعی که از آنها استفاده کرده و  
نتیجه‌ای را که بدان رسیده است، معرفی  
می‌کند. چکیده خوب علاوه بر آنکه نشانه  
تسلط نویسنده و محقق بر کار خویش

است، یاریگر خواننده در انتخاب مقاله  
برای مطالعه و تحقیق نیز هست؛ زیرا  
ممکن است خواننده به علت ضیق وقت،  
نتواند قبل از اطمینان از مفید و مورد نیاز  
بودن مطالب مقاله، آن را مطالعه کند؛ از  
این رو، وجود چکیده، او را از محتوای  
مقاله مطلع می‌سازد و امر انتخاب را برای  
وی میسر می‌نماید. به همین ترتیب،  
نشریه‌هایی هم که مقالات خود را همراه با  
چکیده چاپ می‌کنند، امکان ارزیابی  
اجمالی و سریع را برای خوانندگان فراهم  
می‌سازند و علاوه بر این، حضور خود را  
در بانکهای اطلاعاتی و خدمات رایانه‌ای  
آشکارتر و مشخص‌تر می‌گردانند.

مکمل فایده چکیده، کلید واژه‌ها  
هستند. این واژه‌ها تمام مقاله را در قالب  
چند واژه اساسی معرفی می‌کنند؛ لذا  
می‌توان گفت چکیده چکیده هستند. کلید  
واژه‌ها مانند فهرستهای موضوعی برگردان  
کتابخانه‌ها، از مفاهیم کلی و واژگان عام  
شروع می‌شوند و رفته رفته به مفاهیم  
جزئی ختم می‌گردند. محققانی که در  
زمینه موضوعات مقاله مزبور تحقیق  
می‌کنند و در بدست آوردن منابع، با آن  
واژه‌ها به جستجو در سیستم‌های اطلاع  
رسانی و خدمات رایانه‌ای می‌پردازند، به  
وسیله کلید واژه‌ها به مقاله مزبور هدایت  
می‌شوند؛ در نتیجه، آن مقاله همواره مورد  
مراجعه و استفاده واقع می‌شود و در  
چرخه تحقیق و تتبع قرار می‌گیرد.

### عنوان:

یکی دیگر از نکاتی که در نگارش  
مقاله‌های تحقیقی نباید از آن غافل شد،  
انتخاب نام و عنوان مناسب برای مقاله

است. شاید در برخورد اول، ضرورت این  
مسأله آشکار نباشد، لکن تأمل در آن،  
اهمیت قضیه را روشن می‌سازد. در  
مقاله‌های عمومی، ذوقی و ادبی عنوان  
چنان انتخاب می‌شود که در همان نگاه  
نخستین دل و جان مخاطب را در کمند  
جاذبه خویش درآورد و او را مشتاق  
مطالعه سازد. عنوان چنین مقاله‌هایی  
معمولاً احساسی، عاطفی و برانگیزاننده  
است، اما در مقاله‌های تحقیقی، غرض  
چیز دیگری است و عنوان به گونه دیگری  
انتخاب می‌شود. همانطور که سبک  
نگارش در مقاله‌های تحقیقی جدی،  
منطقی و عقلانی است، عنوان هم کاملاً  
منطقی و مطابق با واقع انتخاب می‌شود،  
چنانکه نمایانگر موضوع و محتوای مقاله  
باشد. به دیگر سخن، همان ملاحظاتی که  
در چکیده مقاله و کلیدواژه‌ها مد نظر قرار  
می‌گیرد، در انتخاب عنوان هم ملحوظ  
می‌گردد. عنوان مقاله تحقیقی باید کاملاً  
رسا و دور از ابهام، پیچیدگی و معنای  
مجازی باشد؛ از این رو بهتر است با  
کلیدی‌ترین واژگان مقاله آغاز شود که  
خود وسیله دیگری است برای حضور  
مفید و مشخص در فهرس و نمایه‌ها، و  
راهی است برای سهولت دستیابی دیگران  
به مقاله مزبور.

آنچه گفته آمد، ضروری‌ترین مباحث  
در تهیه و نگارش مقاله‌های تحقیقی  
است. با اعتراف به اینکه هزار نکته  
باریکتر زمو اینجاست، ادامه سخن در  
باب سبک نگارش و نشر مقاله‌های  
تحقیقی و ضوابط مربوط به نگارش را به  
مجال دیگری موکول می‌کنیم.